

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ اجتماعی شیعیان امامیه بغداد از آغاز غیبت صغری تا سقوط آل بویه

راحله ضائفی^۱

مجید احمدی کچایی^۲

چکیده

بررسی تاریخ اجتماعی جوامع گذشته، ما را به کشف نوع زندگی اقوام و گروه‌هایی از مردم سوق می‌دهد که در صف حکام و نخبگان سیاسی جامعه قرار ندارند. این کشف لایه‌های نهان، صرفاً با شاخص‌بندی مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی امکان‌پذیر است. پژوهش پیش‌رو، با بررسی مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان امامیه بغداد از عصر غیبت صغری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم تا افول دولت آل بویه، وضعیت اجتماعی این طیف مذهبی خاص را مورد مذاقه قرار می‌دهد. مؤلفه‌هایی همچون: حرف و مشاغل، مراسم مذهبی، ارتباط شیعیان با اهل سنت و محافل علمی و آموزشی. تحقیق پیش‌رو، شناخت بهتری از عوامل موثر بر سبک زندگی شیعیان بغداد در این بازه زمانی به ما ارائه می‌دهد. عواملی چون غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الکریم، حضور وکلای اربعه و نیز قدرت‌گیری دولت شیعی آل بویه بر سبک زندگی شیعیان تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی:

بغداد، سبک زندگی، شیعیان، تاریخ اجتماعی، آل بویه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت جامعه المصطفی قم (نویسنده مسئول) (rahele.zaefi@yahoo.com).

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (ahmadi.m@isca.ac.ir).

مقدمه

دانش تاریخ، مملو از فراز و فرودهای حوادث بی‌شمار از رفتارهای انسان‌ها و کنش و واکنش‌های آنان در قبال وقایع گوناگون است که به نوبه خود شاکله‌ی آن، رخدادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌سازند که غالباً به دست حکام و نخبگان جامعه ایجاد می‌شود. اما در تاریخ اجتماعی به مطالعه ساختار و فرآیند کنش و واکنش انسان در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته می‌شود. برخی صاحب‌نظران، تاریخ اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «شیوه زندگی و چگونگی چهره‌یابی تاریخی مردم». (شعبانی، ۱۳۷۷: مقدمه) این دانش با رویکردی خُرد، کنش و واکنش‌هایی در میان طبقات مختلف مردمی، روابط مردم با عالمان و دانشمندان و طبقه حاکم و نوع سبک زندگی آنان سخن می‌گوید. در این شیوه بررسی، حکام و زمام‌داران، خارج از تعریف قرار می‌گیرند و صرفاً تفکر و اندیشه معنادار انسان‌هایی هستند که در بطن جامعه قرار دارند و جزء طبقات فرودست اجتماعی پس از حاکمانند. بررسی نوع تفکر و منش و گرایش‌های این طبقات اجتماعی مردمی، برآمده از تحولات مختلف و عوامل گوناگونی است که از جمله آن‌ها می‌توان به دین، سرزمین، باورها و اعتقادات، ارتباط آنان با حکام و نخبگان و... اشاره نمود. این عوامل در نوع رفتار طبقات اجتماعی تأثیرگذار بوده و شدت و ضعف آن، رفتار قشرهای مردمی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به باور نگارنده در واقع تاریخ اجتماعی به عنوان رویکردی نوین می‌کوشد زندگی اجتماعی مردم را در سه حوزه رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه، رابطه مردم با دولت و حکومت و رابطه مردم با زیست‌جهان مادی و معنوی پیرامون‌شان بررسی و این روابط را در چارچوب‌های علی و معلولی تبیین کند. با مطالعه این روابط در برهه زمانی معین می‌توان به سبک زندگی مردم دست یافت. برخی مؤلفه‌های پیشنهادی برای دست‌یابی به این هدف عبارتند از: ۱. نمادهای غیر زبانی؛ رنگ‌ها؛ پرچم‌ها؛ ۲. نمادهای زبانی و مسائل مربوط به زبان مانند: ضرب‌المثل‌ها، تکیه کلام‌ها، داستان‌ها، اسطوره‌ها، معماها، الفاظ دخیل و... ۳. آداب و رسوم، جشن‌ها، بازی‌ها؛ ۴. حرف و مشاغل؛ ۵. وضع شهرها و فضاها؛ شهری؛ ۶. سلسله مراتب قدرت رهبری (سیاسی یا فرهنگی)؛ ۷. کارکرد اجتماعی نهادهای غیر اجتماعی.

در بحث از تاریخ اجتماعی شیعیان در دوره مورد نظر، قلمرو مؤلفه‌های مذکور در روابط میان شیعیان بغداد مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که در دوران مورد کنکاش ما، عامل مذهب و در رویکردی خاص تر مذهب تشیع بر مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی تأثیر گذار است. عرصه مورد بحث، با غیبت صغرای امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ التَّرْتِيبِ از سال ۲۶۰ق، آغاز و تا پایان افول قدرت حکومت



شیعی آل بویه، ۴۴۶ ق، کنش اجتماعی گروه شیعیان را در اقلیم بغداد مورد مذاقه قرار می‌دهد. چنان‌که ذکر شد، همچون امر غیبت حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام، حضور وکلای ایشان و نیز ظهور اولین دولت شیعی آل بویه بر سبک زندگی اجتماعی شیعیان تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش، برآنیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که تاریخ اجتماعی شیعیان بغداد در عصر غیبت چگونه بوده است؟ از این رو بایسته است تا ابتدا با اوضاع زمانه و تحولات عصر غیبت به اختصار آشنا شویم. این امر ما را در تحلیل سبک زندگی مردم این دوران و به ویژه شیعیان یاری می‌رساند. در ابتدا شرایط سیاسی حاکم عصر غیبت به اختصار بیان می‌شود، در ادامه پیشینه بغداد به مثابه ظرف وقوع حوادث و رویدادها مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام برای شناسایی سبک شیعیان بغداد، مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی تحلیل و ارزیابی می‌شود.

تاریخ تحولات عصر غیبت

گفته شد پژوهش حاضر از دوران غیبت صغری حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام به سال ۲۶۰ ق، آغاز و تا انقراض حکومت آل بویه به سال ۴۴۷ ق. سرانجام می‌یابد. مطلع این غیبت، از سال ۲۶۰ ق، به هنگام شهادت امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام است و تا سال ۳۲۹ ق، با مرگ آخرین وکیل امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام به طول می‌انجامد که این اتفاق سرآغاز غیبت کبری حضرتش می‌گردد. وکلای ایشان به ترتیب؛ عثمان بن سعید (متوفای قبل از ۲۶۷)، محمد بن عثمان (۳۰۵ ق)، حسین بن روح (۳۲۶ ق) و علی بن محمد سمري (۳۲۹ ق) به مدت ۷۰ سال رابط میان شیعیان و امام غائب‌شان بودند و به سبب اوضاع دهشتناک و جو خفقان مذهبی برای شیعیان، راهکار تقیه را اختیار نموده بودند. روی کار آمدن آل بویه و تصرف بغداد از سوی آنان به سال ۳۳۴ ق. رخ داد. این دوره هم‌زمان با دوره سوم خلافت عباسیان به سال ۳۳۴ تا ۴۴۷ ق و با پنج خلیفه مستکفی (۳۳۴ ق)، مطیع (۳۶۳ ق)، طائع (۳۸۱ ق)، قادر (۴۲۲ ق) و قائم (۴۶۷ ق) هم‌دوره بود. در این دوران، خفقان حاکم بر گروه شیعیان از میان رخت بربست و تقیه از عملکرد آنان حذف گردید که با ورود معزالدله (۳۲۰ ق-۳۵۶ ق) به بغداد آغاز، با قدرت‌گیری عزالدله (۳۵۶ ق-۳۶۷ ق) و پس از آن عضدالدوله (۳۶۷ ق-۳۷۲ ق) ادامه یافت. (طوقش، ۱۳۸۳: ۲۷۳-۲۷۵) اما مهم‌ترین عامل و شاخصه آن عصر که بر مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی این طیف خاص در دوران مذکور تأثیرگذار گردید مقوله‌ی «امنیت» بود که به گونه‌ای خاص از جانب حکومت بویه‌ای تأمین می‌گردید. روی کار آمدن آل بویه به حضور شیعیان نیرو بخشید و فعالیت‌های آنان را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی رونق داد. از این رو در

این دوران شاهد قدرت‌گیری برخی حکومت‌های شیعی مانند امارت مزیدیان در سورا در ناحیه فرات میانه هستیم. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۹، ۲۳۵) این امر در فتنه‌هایی میان شیعیان تندرو و سنیان متعصب بیشتر به چشم می‌خورد. از جمله ابن اثیر گزارش می‌دهد که در آشوب مذهبی بغداد در سال ۴۴۳ق، سنی‌ها شماری از زیارت‌گاه‌های مقدس شیعیان را به آتش کشیدند. چون خبر به گوش دبیس بن علی (۴۰۸ق) حاکم مزیدیان عراق، رسید سخت خشمگین شد و بلافاصله نام خلیفه عباسی را در مساجد حله و توابع آن از خطبه انداخت. این اقدام او تا دامنه فرات نیز کشیده شد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۹، ۱۱۱) این رویداد و تأثیری که بر امیر مزیدی گذاشت، میزان ارتباط اعتقادی او را به امامیه نشان می‌دهد و روشن می‌سازد که او حامی تأثیرگذار شیعیان در بغداد بوده است.

مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان در بغداد

برای شناخت سبک زندگی شیعیان، توجه به شیوه و روش زندگی آنان در این برهه زمانی لازم می‌نماید. به این منظور می‌بایست به مؤلفه‌هایی چون: حرفه‌های رایج در میان شیعیان بغداد، چگونگی برگزاری آداب و رسوم مذهبی، رابطه ایشان با پیروان اهل سنت بغداد، ساختار نظام ارتباطی و نحوه برگزاری محافل علمی و مدارس پرداخته شود. با شناخت هر چه بیشتر موارد مذکور به شناخت دقیق‌تری از سبک زندگی شیعیان دست پیدا می‌کنیم. در ادامه به این موارد خواهیم پرداخت.

۱. بنا و ساختار مذهبی بغداد

انتقال حکومت بنی عباس به دست منصور از کوفه به بغداد، زمانی روی داد که جنبش راوندیان صورت پذیرفت و خلیفه، علاوه بر احساس خطر از جانب آنان، برای کاهش نفوذ فراوان کوفیان در دستگاه حکومتی و نیز رهایی از حب شیعیان آل علی علیه السلام به فکر چاره افتاد. انتقالی با آگاهی و دوراندیشی فراوان از جانب این خلیفه که ساختن آن از سال ۱۴۵ق تا ۱۴۹ق به طول انجامید. (حموی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۴۵۶) شهری دایره‌ای شکل با چهار دروازه در چهار سوی آن. بغداد را چهار دروازه بود؛ دروازه خراسان معروف به دروازه دولت، دروازه کوفه، دروازه بصره و شام. (بغدادی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۳۵)

ساخت این شهر نزدیک به چهار سال ادامه یافت. (ابن طباطبا، ۱۳۶۰: ۲۲۰) شهر در دو سوی دجله بنا شد که ساحل شرقی آن «رصافه» و ساحل غربی آن «کرخ» نامیده می‌شد. بیشتر ساکنان شهر در ساحل شرقی ساکن بودند. در زمان مهدی عباسی با انتقال دارالخلافه به

رصافه، این قسمت رو به توسعه نهاد و به منطقه اصلی شهر تبدیل گشت. محله‌های چندی نیز حضور شیعیان را به خود می‌دید از جمله: باب الطاق، اهل درب سلیمان، سوق القلابین، سوق الثلاثاء، سوق الاساکفه، سوق یحیی و سوق السلاح که عده‌ای از شیعیان در آن جا سکونت داشتند. (مستوفی، ۱۳۸۱: ۷۲) اما اصلی‌ترین محل سکونت شیعیان محله کرخ در قسمت غربی بغداد بود. هر چند این منطقه در دوره‌های گوناگون وضع متفاوتی داشت، لیکن هم‌چنان دارای اهمیت بود؛ چراکه دروازه بغداد و مرکز تردد سپاهیان، سفیران، تجار و بازرگانان ثروتمند به شمار می‌آمد. به همین دلیل در اطراف آن دژهایی ساخته شد تا امنیت بیشتری در این منطقه برقرار شود. واقع شدن کرخ در کنار رودخانه و وجود زمین‌های کشاورزی حاصل خیز به این آبادانی کمک می‌کرد. از جمله محله‌های دیگر شیعی، سوق یحیی، سوق الاساکفه، قلابین و... بودند. اما در طول زمان، کرخ به تدریج توسعه یافت و به گونه‌ای از بغداد جدا شد و بر جمعیت شیعیان آن اضافه شد. این توسعه تا بدان جا ادامه یافت که بعدها از بغداد مستقل شده و یک ناحیه جداگانه را به وجود آورد به گونه‌ای که از آن به شهر یاد می‌شد. (ابن خلدون، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۰۸)؛ مکان‌های خاصی همچون مسجد امام علی علیه السلام در سوق عتیق که آن را عامل مهاجرت شیعیان می‌دانند. این محله اقامت‌گاه وکلای اربعه امام زمان علیه السلام نیز بشمار می‌آمد. (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۳۲) کرخ به تدریج توسعه یافته از بغداد مستقل شد و ناحیه‌ای جداگانه گشت. از این پس نام «شهر» بر آن نهاده شد. (ابن خلدون، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۰۸) لازم به ذکر است با شهادت امام کاظم علیه السلام، اشتیاق شیعیان برای حضور در این منطقه بیشتر شد. بعدها این منطقه با وجود مرقد امام جواد علیه السلام مورد توجه بیشتر شیعیان امامیه قرار گرفت. چنان‌چه به پایگاه اصلی آنان در زمان عباسیان و در دوران غیبت تبدیل شد.

در خصوص پیشینه تشیع در بغداد، ابتدای حضور شیعیان در این منطقه را به زمانی بر می‌گردانند که سلمان فارسی والی مداین - در نزدیکی بغداد - بود و تشیع را در میان مردمان آن منطقه رواج داد. ۲. نزدیکی کوفه شیعه‌پرور به بغداد، ۳. حضور ائمه علیهم السلام که بدون اختیار بود و جهت زیر نظر گرفتن آنان انجام می‌شد، ۴. حضور وکلای اربعه در بغداد، ۵. خاندان‌های صاحب نفوذ شیعه‌مانند نوبختی و برامکه (که برامکه شیعه نبوده اما آنان را نیز تضعیف نمی‌کردند) معماری این شهر با قلعه و بارو است که از نظر محققان، جهت جلوگیری از آشوب‌های چون راوندیه بود که از جانب منصور در نظر گرفته شد. (سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۳۲)

ساختار مذهبی بغداد، چنان بود که خلفای عباسی از مذهب حنفی حمایت می‌نمودند. این

گروه مذهبی از نظر جمعیت در بغداد برتری داشتند و نفوذشان محسوس تر بود و در صف مقدم مخالفت با شیعیان بودند. آنان با ادعای برتری سه خلیفه اول، قرآن را قدیم می دانستند... و در باب البصره و مسجد جامع منصور ساکن بودند. سال های ۲۳۲ تا ۳۳۴ ق، عصر نفوذ ترکان بود که بدترین شرایط برای شیعیان به وجود آورد. ایجاد مکتب فقهی کلامی در بغداد با حضور امامان در آن جا که پیشتر شرح آن به میان آمد؛ وجود مزار دو امام، عامل حضور بیش از پیش شیعیان و مهاجرت عالمان شیعه از قم، کوفه، سمرقند و... به مکان، در بطن خویش رویارویی اندیشه ها و افکار متفاوت را ایجاد می نمود.

۲. حرف و مشاغل

در خصوص امرار معاش شیعیان در بغداد از آغاز غیبت صغری تا پایان افول قدرت آل بویه، اطلاعات کاملی در دست نیست اما با کنار هم قرار دادن گزارش های تاریخی چنین بر می آید که رونق اقتصادی برای این طیف مذهبی، در دوران مورد بررسی و به خصوص عصر بویه متصور می شود. پیش از این نیز ذکر شد که بغداد از سوی منصور و در دو سوی دجله بنا گردید. چنان که مقدسی در ثنای این اقلیم به قرن چهارده چنین می نویسد:

بغداد مرکز اسلام است و مدینه السلام در آن جاست. (اهالی آن جا) با همه ویژگی ها، ظرافت، ذوق، بذله گویی، دانش دقیق و هوای (روح) لطیف دارند. همه خوبی و زیبایی و هر ظرافت در آن جا و هر ماهری از آن جا است... مردانی در آن جا چهار فصل سال را خفتند تا آن را بشناسند... آذوقه از فرات به وسیله کشتی و به وسیله کاروان ها در خشکی از مصر و شام و بادیه خواهد رسید... گران بهاترین چیز مسلمانان و بهترین شهر ایشان و برتر از آن بود که ما توصیف کردیم... آبادترین جای آن بخش ربیع و کرخ در کرانه باختری و باب الطاق و در الامیر در خاور است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۶)

نهرهایی در محله کرخ جاری بود از جمله نهر دجاج، نهر طابق بن همیه و نهر بزرگ عیسی که از فرات منشعب می شد.

پیش تر گفته شد که بخش شرقی بغداد، کرخ نامیده می شد. منصور کرخ را مرکز اصلی خلافت قرار داد و بازارهای موجود در محله شرقی، یعنی رصافه را به کرخ منتقل کرد زیرا تجار و بازرگانان، در محله کرخ بودند. (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۰-۸۱). بغدادی علت این انتقال را چنین برمی شمرد که انتقال مراکز مهم به کرخ و به دنبال آن انتقال بازار به آنجا، باعث می شد بازرگانان از بیرون شهر که وارد می شدند دیگر به داخل شهر وارد نمی آمدند. از این رو، خطرات احتمالی برای حکومت و خلافت ایجاد نمی شد (بغدادی، ۱۴۱۷: ۹۹) چراکه غالباً جاسوسان به



لباس بازرگانان در می‌آمدند. به نظر نگارنده، این دوراندیشی، خلافت منصور و خلفای بعدی و گروه اهل سنت را تا حدی از ناامنی مصوون می‌گرداند و نابه‌سامانی را دامن‌گیر شیعیان می‌نمود. شیعیان غالباً در منطقه آباد کرخ بغداد سکونت داشتند، این منطقه در تجارت نیز ممتاز بود؛ تجارتی که شیعیان عهده‌دارش بودند. وجود بازار بزرگ کرخ، گواه بر این ادعاست. به نقل منابع این بازار بیش از ۳۰۰ دکان و سرا داشت. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۱). از کاخ «وضاح» تا «سه شنبه بازار» به طول دو فرسنگ و از قطعه زمین ربیع تا دجله به پهنای یک فرسنگ امتداد داشت. در این بازار، برای هر صنفی از بازرگانان و هر نوعی از داد و ستد، بازارهای معین و در آن بازارها، دسته و دکان‌ها و میدان‌هایی وجود داشته است. چنان‌که هیچ دسته‌ای به دسته دیگر و هیچ کسبی به کسب دیگر آمیخته نمی‌شد و هر صنفی از کسبه، تنها به کار خویش مشغول بوده است. از آن‌جا که عمده ساکنان کرخ را شیعیان تشکیل می‌دادند پس این گروه، عهده‌دار امر تجارت و بازرگانی بودند. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۷-۱۸)

از آنجا که بغداد و به خصوص محله کرخ در کنار دجله بنا شده بود، می‌توانست علت رونق شغل ماهی‌گیری و کشتی‌رانی نیز در میان شیعیان باشد. این منطقه به منزله دروازه ورودی بغداد علاوه بر ورود و خروج بازرگان و تجار، محل تردد شخصیت‌های برجسته سپاهی، سفرا و دانشمندان و... بود که به طور حتم در راستای آن، مشاغل فراوانی را برای این طیف مذهبی فراهم می‌نمود که می‌توان به جابه‌جایی شخصیت‌های برجسته، تهیه خوراک و مسکن برای مسافران و... اشاره نمود. حضور وکلای اربعه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در این محله، بر رونق فرهنگی، علمی و اقتصادی افزود که به طور حتم در امر معاش شیعیان تأثیرگذار بود. افزون بر آن مرقد مطهر امام کاظم علیه السلام و نوه بزرگوارش امام جواد علیه السلام در آن‌جا این محله را به پایگاه تشیع بدل نمود، در این برهه از زمان هنوز دو شهر نجف و کربلا از شهرت این چینی بهره‌مند نبودند. این امر می‌توانست به رونق اقتصادی شیعیان در بغداد بیانجامد چرا که این موضوع، عامل مهاجرت بسیاری از شیعیان به کرخ گردید.

نهاد نقابت، یکی دیگر از ارکان مدیریت اجتماعی شیعیان در این دوران بود که خاصه سادات و علویان را تحت پوشش درآورد. منصب نقابت از جانب خلیفه به شریف‌ترین دانشمندترین فرد از سادات واگذار می‌شد. از این رو نقابت، شغلی دولتی به حساب می‌آمد. علویان نخستین بار در دوران معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ق)، خود عهده‌دار منصب نقابت‌شان گشتند. (قرطبی، ۱۴۰۹: ۳۳) چرا که تا پیش از آن سادات و عباسیان هر دو یک نقیب داشتند. این منصب در دوران آل بویه در اعتلای مکتب تشیع بسیار اثرگذار بود که از

جمله نقیبان آن دوره می‌توان به سیدرضی و سیدمرتضی اشاره نمود. به نقل از ابن اثیر در سال ۳۹۶ق، امر نقابت به سید رضی رسید: در این سال، شریف رضی به نقابت طالبیان در عراق منصوب شد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۱، ۲۹۳) پس از او در سال ۴۰۶ق، منصب نقابت علویان بغداد به سیدمرتضی داده شد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ۳۶۷) اما حوزه فعالیت نقیب، مختص به سادات نمی‌گردید. این فرد از طرف حاکم عراق تعیین می‌شد و برای دادن این مقام تشریفات خاصی صورت می‌گرفت (ابن بطوطه، بی‌تا: ۱۶۸) و این منصب خواه ناخواه به شخصیت ممتاز و محبوب و عالم باتقوا می‌رسید و خلفا نیز برای کسب وجهه بدان حکم می‌دادند. (ذبیح‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۵) این منصب از آن رو که وضعیت شیعیان را بهبود می‌ساخت بسیار حائز اهمیت می‌نمود.

پس از منصب نقابت، سمت مهم دیگری که در دوران حاکمیت آل بویه به سادات علوی تفویض شد، منصب امیرالحاجی بود. این مقام در نفوذ قدرت شیعیان در مراسم حج و ساختار حکومت تاثیر فراوان داشت. پس از این، امیری حج تا سقوط بغداد در اختیار علویان قرار داشت. (حسینی، ۱۴۱۷: ۱۸۵-۱۸۶؛ منز، ۱۳۶۲: ج ۲، ۱۷۹) چنان‌که بنا به گفته ابن جوزی، پس از آن‌که در فاصله سال‌های ۳۱۷ق تا ۳۲۷ق به علت تعرض قرمطیان حج تعطیل شد، یک علوی که قرمطیان از شجاعت و اصالتش پروا داشتند، با ایشان مکاتبه کرد و در نتیجه راه مکه باز شد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶۰)

بنابراین نقل منابع، با وجود دشواری‌های فراوان، شیعیان در این عصر با به دست آوردن موقعیت‌های بالای سیاسی و نفوذ در دستگاه حاکمه، جایگاه خویش را در بغداد مستحکم ساختند. هرچند شورش‌های زیدیه، جنبش قرامطه و حرکت‌های تند اسماعیلیه شیعیان امامی را در معرض اتهام و سخت‌گیری قرار داده بود، با این حال امامیه کوشیدند تا خود را از جریان‌های دور ننگه داشته و بر نفوذ و سلطه خود در بغداد بیفزایند. چنان‌چه در مورد ابوسهل اسماعیل نوبختی (۳۱۱ق) گفته شده که وی در دستگاه اداری عباسیان نفوذی فوق‌العاده داشت. فرقه امامیه در دوره غیبت صغری با عزت و شوکت بسیار می‌زیستند. هم‌چنین از بزرگان امامیه کسانی چون ابوالحسین علی بن عباس (۳۲۴ق) و ابوالقاسم حسین بن روح (۳۲۶ق) در بغداد دارای ریاست و قدرت بوده‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۵: ۹۶-۹۹) علی بن محمد بن زیاد صیمری نیز از امامیانی است که در حکومت شغل مهمی به دست آورد. وی نویسنده کتاب *الأوصیاء* است که مجلسی با واسطه از وی نقل روایت کرده است. (جاسم حسین، ۱۳۷۷: ۲۱۰)

۳. مراسم مذهبی

تحریم‌ها و تحمیل‌های مذهبی علیه شیعیان در سراسر حکومت عباسیان، از سوی خلفا امری رایج بود، این امر در دوران غیبت حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ التَّرْتِيبِ ادامه داشت تا زمانی که آل بویه بر مسند قدرت نشستند. این موضوع، بسیاری از فعالیت‌های این گروه مذهبی را دگرگون ساخت که نقطه عطف آن در مراسم مذهبی خاص آن دوران که بعدها به آیین بزرگ جامعه تشیع بدل گردید؛ بزرگداشت واقعه عاشورا بود که آل بویه بدان رونق دادند. در سال ۳۵۲ هجری، آنان مردم را به برپایی این مراسم فراخواندند و شیعیان در آرامش و طیب خاطر آن را انجام دادند و این تا اوایل قرن پنجم که آل بویه در رأس کار بودند، ادامه داشت. ابن کثیر، سنی با اکراه و تعصب، اجرای این عزاداری را چنین ذکر می‌کند:

در سال ۴۰۲ فخرالملک وزیر (آل بویه)، اجازه داد تا شیعیان بدعتی (!) فضیحه پیرامون عزاداری حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ راه اندازند... و در رثای حسین مانند زمان جاهلیت بر صورت خود سیلی زنند... (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۳۴۵).

این عزاداری تا حکومت بویه به سال ۴۴۷ ق ادامه داشت و پس از آن این محدودیت بار دیگر برای شیعیان پدید آمد. در خصوص اجرای مراسم مذهبی شیعیان، در دوران مذکور می‌توان به بزرگداشت واقعه به عنوان غدیرخم اشاره نمود که در زمره عید شیعیان از سوی آل بویه با آذین بستن شهر اجرا گردید. ابن اثیر، در ذکر وقایع سال ۳۵۲ ق، این مراسم چنین یاد می‌نماید:

در هشتم بندی و ماه ذی الحجه معزالدله دستور داد که شهر را آذین‌بندی و چراغانی کنند. در مراکز شرطه (شهربانی و پلیس) آتش افروخته شد و جشن برپا گردید و مردم بازار را شبانه باز کردند و مانند شب‌های عید طرب و فرح را آغاز نمودند و آن را عید غدیر خواندند. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ۲۶۳)

که البته سنیان نیز در مقابل شیعیان، یوم الغار، روز همراهی ابوبکر با پیامبر در غار را جشن گرفتند. کتاب *التقصی*، به برپایی این مراسم می‌پردازد. (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۲۸، ۱۲)

۴. نظام ارتباطی

در گسترش مکتب تشیع، نظام ارتباطی در زمره مؤلفه اجتماعی، اهمیت بالایی دارد. فعالیت این نظام در چند قسم محسوس و مشهود بود. که از جمله آن می‌توان به رابطه این طیف با وکلای خاصه حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ التَّرْتِيبِ در عصر غیبت صغری، به مثابه واسطه آنان با

امام حاضر و در رفع مشکلات شیعیان اشاره نمود. رساندن سوالات و تحویل آن چه از شیعیان در نزد وکلای امام عَلَيْهِ السَّلَام جمع می شد و ابلاغ پاسخ های متقابل ایشان به مردم، موجب نزدیکی بیشتر و استحکام پیوندهای مذهبی یاران امام عَلَيْهِ السَّلَام می گردید. چنان چه شیخ مفید عنوان می دارد بخشی از اموالی که وکلا می گرفتند به دستور امام صرف مخارج کفن و دفن شیعیان نیازمند و بخشی دیگر به کسانی از دوستان آن حضرت تعلق می گرفت که در زمان امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام از ایشان مستمری دریافت می کردند. (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۳۴) زندگی وکلا نیز کاملاً عادی و به دور از جلب توجه بود. چنان که عثمان بن سعید عمری، اولین سفیر امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، از طریق تجارت ارتزاق می کرد و از آن جا که شغل او غالباً خرید و فروش روغن بود، به سمان یعنی روغن فروش نیز شهرت یافته بود. وی به دلیل ارتباط بهتر و رساندن اموال و نامه ها از طریق مشک های روغن به امام عَلَيْهِ السَّلَام به این شغل می پرداخت. (شیخ طوسی، بی تا: ۲۱۷)

به نظر می رسد نحوه ارتباط وکلا همواره با تقیه همراه بوده است. به عنوان مثال حسین بن روح نوبختی، وکیل سوم امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در مجالس اهل سنت شرکت می کرد. (صدر، ج ۱، ۱۱۰) یا این که بنا به نقل شیخ طوسی پس از خاکسپاری وکیل دیگر امام، عثمان بن سعید، در سمت غربی بغداد و در جنب دروازه جبله، ساکنان سنی این محل که در همسایگی مقبره عثمان ساکن بودند، به زیارت آرامگاه وی می آمدند زیرا که او را مردی شایسته می دانستند. (شیخ طوسی، بی تا: ۲۱۷-۲۱۸) هم چنین منابع تاریخی از موقعیت ممتاز برخی از وکلای امام عَلَيْهِ السَّلَام در دستگاه خلافت عباسی گزارش می دهند. چنان چه دارا بودن مقام بالای ایشان در حل مشکلات مردم راهگشا بوده است. (جاسم حسین، ۱۳۷۷: ۱۹۲-۱۹۳)

رابطه علمای بزرگ با شیعیان و نیز نقیبان در این نظام ارتباطی با شیعیان می گنجند. با آغاز غیبت کبری، عالمان دینی و نمایان آنان در زمره مبلغان و مرتفع کنندگان مسائل و مشکلات شرعی و غیر از آن برشمرده شدند که مرجعیتی برای شیعیان شکل گرفت. از جمله آن، در این دوران می توان به بزرگانی چون شیخ مفید (۴۱۳ق) و شیخ طوسی (۴۶۰ق) اشاره نمود که به مثابه زعیم شیعیان امامی مذهب در مناطق مختلف بودند. تا آن جا که شیخ مفید (۴۱۳ق) در مسجد براهنا در منطقه کرخ، برای اقامه نماز و وعظ و تدریس حاضر می شد. او با کوشش خود، دیدگاه فرق درون شیعی را هم چون زیدیه و اسماعیلیه را به هم نزدیک ساخت و شاگردان برجسته ای را برای گسترش مکتب شیعه هم چون شیخ طوسی (۴۶۰ق)، سیدرضی (۴۰۶ق) و سیدمرتضی (۴۳۶ق) تربیت نمود. رساله های شیخ مفید، شیخ طوسی و سیدمرتضی در جواب

استفتائات شیعیان در سراسر جهان اسلام شاهد بر این مدعاست که به تألیف کتب از سوی آنان منتهی می‌گردید مانند کتاب *من لایحضره الفقیه* که شیخ صدوق (۳۸۱ق) آن را در فقه تألیف نمود.

رابطه شیعیان با اهل سنت

شهر بغداد محل حضور پیروان مذاهب مختلفی که شاخص ترین آن‌ها دو گروه مسلمان شیعه و سنی بود. اهل سنت با مذهب چهارگانه خود و قدرت و نفوذ بیشتر حنبلی‌ها با پیروان افزون تر و به همراه داشتن حمایت خلفای عباسی، بیشترین اختلافات را با شیعیان داشتند. از آن جا که عباسیان با دست‌آویز قرار دادن شعار «الرضا من آل محمد» به قدرت رسیده بودند، شیعیان را رقیب سرسخت خویش در خلافت می‌دانستند و با حمایت از سنیان متعصب عرصه را بر آنان تنگ می‌کردند. بنابراین شرایط برای آزادی عمل و فعالیت شیعیان بسیار سخت بود. خلفای عباسی برای تضعیف شیعه در مسیر قدرت‌گیری فرقی مختلف اهل سنت به خصوص حنابله که مخالف جدی و متعصب شیعیان به حساب می‌آمدند، تلاش می‌کردند. محله برائنا که مسجد برائنا در آن قرار دارد، از کانون‌های درگیری شیعیان و سنیان بود که مقتدر (۳۲۰ق) دستور به ویرانی آن و راضی دستور ساخت مجدد آن را داد و نام راضی را در بالای آن نوشتند، اما غالب این اختلافات و تنش‌ها میان این دو گروه در اجرای مراسم مذهبی بود؛ هم‌چون برپایی مراسم عزاداری عاشورا به سال ۴۱۱ق، که آل بویه به دوران افول قدرتش نزدیک می‌شد و شیعیان در اجرای آن با مشکل روبرو شدند؛ در این سال، اهالی کرخ از برپا داشتن مراسم عزاداری بنا به عادت جاری که روز عاشورا داشتند ممنوع شدند و لکن مردم شهر نپذیرفته، به انجام آن مراسم پرداختند در نتیجه در میان آنها و سنیان فتنه بزرگی برپا شد. در این میان عده زیادی کشته و تعدادی نیز مجروح شدند. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۲، ۲۶۵) برپایی جشن «یوم غار» و نیز در به سوگ نشستن مصعب بن زبیر، برادر عبدالله بن زبیر، در مقابل سوگواری برای امام حسین علیه السلام از جانب سنیان، صرفاً به دلیل عناد با شیعیان در اجرای این مراسم بود که ذهبی در تاریخ خود، ضمن نقل این وقایع، دشمنی سنیان را چنین نقل می‌کند:

و یوم الغار لجهلة السنة فی شهرذی الحجة بعد الغدير ثمانية أيام اتخذته العامة عنادا للرافضة. (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۲۸، ۱۱۲)

به طور کلی در زمان روی کار آمدن آل بویه تشتت میان شیعیان و اهل سنت بالا گرفت این اختلافات را می‌توان در چندین عامل جستجو کرد که از جمله آن، همان‌گونه که ذکر شد، علنی شدن سوگواری برای امام حسین علیه السلام و نیز منع خرید و فروش به دستور معزالدوله بویه‌ای

(۳۵۶ق) (ابن اثیر، ۱۳۷۱ق: ج ۱۴، ۲۶۱)، هم‌چنین برگزاری عید غدیر و رفتاری افراطی از سوی برخی از شیعیان که به این درگیری‌ها دامن می‌زد و دیگری میدان یافتن شیعیان امامی مذهب در زمان آل بویه که تمرکز قدرت را از دستان سنیان که تا آن زمان زیر سایه قدرت عباسیان بودند، خارج نمود و به شیعیان منتقل کرد.

در قبال شرایط سیاسی که اوضاع اجتماعی و مذهبی را تحت الشعاع قرار می‌داد، عوامل طبیعی همچون قحطی و شرایط بد اقتصادی نیز بر این تنازعات افزود؛ چرا که کرخ که محل تجمع بازرگانان و تجار فراوان بود، نسبت به محله‌های دیگر بغداد از رونق و آبادانی بیشتری بهره‌مند بود. در این میان عیاران و غارت‌گران هم نقش مؤثری در درگیری‌ها داشتند. (ابن اثیر، ۱۳۷۷ق: ج ۱۴، ۳۱۴-۳۱۶) البته در این میان نباید از نقش عالمان شیعی در رفع این اختلافات غافل شد، علمایی هم‌چون شیخ طوسی که بسیاری از بزرگان اهل سنت در محضروا کسب علم کردند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۵) و شیعه و سنی برای او احترام خاص قائل بودند. با این حال طی سال‌های ۴۴۱ ق تا ۴۴۵ ق درگیری‌های میان شیعه و سنی به اوج خود رسید و مشهد کاظمین در آتش سوخت. (ابن اثیر، ۱۳۷۱ق: ۲۷۹-۳۰۰) تعصبات حنبلیان بر این ناآرامی‌ها دامن می‌زد که در پی آن خلیفه الراضی (۳۲۲ق-۳۲۹ق) طی نامه‌ای آنان را سرزنش کرد که اگر از کارهای خود دست بردارند، آنها را تبعید خواهد نمود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱ق: ج ۲۰، ۳۳) این امر مشکلات اقتصادی و امنیتی را در پی داشت و به دنبال آن رکود اقتصادی را دامن‌گیر مردمان می‌نمود. آتش زدن خانه‌های شیعیان و ۳۰۰ دکان به سال ۳۶۲ ق شاهد بر این مدعا است. (ابن اثیر، ۱۳۷۱ق: ج ۸، ۶۲۹) به دلیل همین فتنه‌ها و آشوب‌ها بود که به سال ۴۴۸ ق، شیخ طوسی حوزه علمیه بغداد را به نجف انتقال داد.

رئیس این مکتب فکری در آن زمان ابو محمد حسن بن علی بربهاری (۳۲۹ق)، فقیه و واعظ حنبلی در سده سوم و آغاز قرن چهارم است که بر مذهب خود بسیار متعصب بود و علمی چون کلام را بدعت می‌دانست و با اعتقاد خویش امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود و در آن هیچ تسامح و تساهلی نداشت و بی‌شک نقش پنهان و آشکار او را در منازعات میان شیعیان و اهل سنت را می‌توان جست‌وجو کرد که از جمله آن دستور تخریب مسجد برائا و دفن مردگان در آن بود (صولی، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۱۳۶) و باز در زمان غلبه بربهاری بود که حنابله زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام، مخصوصاً امام حسین علیه‌السلام را منع کرده بودند، اما شیعیان به زیارت می‌رفتند. وی به سبب همین تعصبات به دستور خلیفه عباسی تبعید گردید.

بنابراین نمونه‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد که برگزاری مراسم مذهبی در برابر

اهل سنت از شیوه‌های ارتباطی و غیرزبانی شیعیان در این دوران بوده است. به این ترتیب درگیری‌های ایجاد شده میان گروه‌های تندرو، میزان تعصب طرفین را نشان می‌دهد.

۵. محافل علمی و مدارس

دوران غیبت صغری با ظهور دانشمندان شیعی در زمینه علوم مختلف و معارف دینی همراه بود. در این برهه تاریخی حضور علمای برجسته‌ای شیعه شاهد هستیم که پس از گذشت قرن‌ها، اکنون نیز آثار ارزشمند ایشان، هویت علوم اسلامی شیعه را ترسیم نموده است. از جمله این بزرگان شیخ مفید (۴۱۳ق) بود که در مسجد برائا تدریس می‌کرد و ابن ندیم، مؤلف کتاب گران سنگ *الفهرست*، او را پیشوای متکلمان شیعه می‌داند. شیخ در این مسجد با متکلمان و دانشمندان سایر مذاهب مناظره می‌نمود که در برخی موارد در خصوص آن مورد آزار و اذیت نیز قرار می‌گرفت تا آن‌جا که به دستور سلطان بویه‌ای حکم به تبعیدش دادند که ملغی شد. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۵۱۱) دانش و قدرت شیخ مفید تا بدان جاست که پیشوایان اهل سنت آرزوی مرگ او را می‌کردند وقتی خبر مرگ او را شنیدند ابن نقیب از جمله بزرگان سنی مذهب سجده شکر کرد و گفت: «حالا که مرگ ابن معلم را به چشم دیدم دیگر از مردن باک ندارم» (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲-۱۸) هم‌چنین به مقام علمی شیخ صدوق (۳۸۱ق) می‌توان اشاره نمود که کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* را برای پاسخ به نیازهای روز شیعیان نگاشت.

لازم به ذکر است در این علم آموزی، پایه‌گذاری حوزه علمیه بغداد، که در دوران امامت امام موسی کاظم علیه السلام محقق شده بود، در زمان آل بویه دوباره رونق گرفت و حضور علمایی همچون شیخ مفید (۴۱۳ق) و شیخ طوسی (۴۶۰ق) بر رونق آن افزود. حوزه‌ای چنین درخشان در بطن خلفای سنی و سنیان که آن را از حوزه قم در میان جامعه شیعیان، جلوه‌ای خاص می‌بخشید. علومی چون: فقه، اصول فقه، علم حدیث، کلام، تفسیر قرآن و... از دانش‌های رایج در آن بود. ابن جنید اسکافی (۳۸۱ق)، سید مرتضی (۴۳۶ق) شیخ طوسی (۴۶۰ق) با نگارش *تهذیب و الاستبصار* در زمینه روایات و احادیث که جنبه فقهی و حکمی داشت با نوع نگرش شیخ مفید، رویکردی نو در نظام فقهی را ایجاد کردند. شیخ مفید در خانه خود در محله «درب رباح» جلسات درس و مناظره گذاشت و شاگردانی تربیت نمود.

هم‌چنین عالمانی چون ابوسهل نوبختی سی و هفت کتاب و رساله تالیف و با دشمنان شیعه مناظره می‌کرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۵: ۱۱۶-۱۲۳) و یا کسانی چون ابو عبیدالله محمد بن عمران مرزبانی (قرن ۴) ادیب مشهور شیعی (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ج ۴، ۳۵۴-۳۵۶) و مهیار دیلمی (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ج ۴، ۳۵۹-۳۶۳) از بزرگ‌ترین شاعران شیعی بودند که مساجد

بغداد کانون اصلی آموزش آنان به شمار می‌رفت.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که وکلای اربعه، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و شرعی شیعیان، در دوران غیبت صغری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بسیار تلاش نموده و پاسخ‌های حضرتش را بی‌کم و کاست به مردم می‌رسانند. البته آنان برای حل مشکلات علمی و اعتقادی و راهنمایی عموم مردم، در بحث‌ها و مناظرات شرکت می‌کردند. از جمله توقیع محمد بن جعفر اسدی، شامل مسائل مهم فقهی و شرعی است و حضور حسین بن روح در مناظرات علمی و اعتقادی، نشان از فعالیت‌های وکلای اربعه در این موارد دارد. (شیخ طوسی، بی‌تا: ۳۲۴-۳۷۳، ۳۷۸) آنان تردیدهای وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه را از بین بردند و با تقیه، در آن دوران خفقان، شیعیان را به عنوان اقلیتی رسمی و شناخته شده حفظ نمودند.

نتیجه‌گیری

گرایش شیعیان به حضور در بغداد به دوران حکومت امام علی علیه السلام در کوفه به عنوان مقرر حکومتی ایشان باز می‌گردد. این امر هم‌چنین موجب روی آوردن مردم منطقه به تشیع و در ادامه مهاجرت شیعیان به آن جا شد و بدین ترتیب هسته اولیه تشیع بغداد شکل گرفت. با روی کار آمدن عباسیان، شیعیان مجبور به تحمل فشارهای حکومتی شدند. مدفون شدن دو تن از پیشوایان معصوم در بغداد، این هسته اولیه را سازماندهی کرده و با حضور وکلای اربعه در این شهر و به دنبال آن حضور علمای شیعه، انسجام شیعیان قوت بیشتری گرفت و پایگاه مرکزی شیعیان در بغداد ایجاد گردید.

در بررسی تاریخ اجتماعی شیعیان بغداد، در دوران غیبت صغری، آن چه کاملاً مشهود به نظر می‌رسد این است که دوران مذکور با فراز و نشیب تحولات سیاسی و مذهبی، زمینه‌ساز پی‌ریزی آموزه‌های شیعی از سوی عالمان دینی در پرتو سیاست مذهبی شیعه‌پرور آل بویه بود. مؤلفه‌ای خاص که حوزه بغداد و سپس نجف و قم وام‌دار آن است. موقعیت مناسب محله کرخ بغداد و تجمیع شیعیان در آن جا به آبادانی و پیشرفت اقتصادی آنان یاری رساند. این مهم به تقویت جایگاه شیعیان در امور سیاسی و اجتماعی نیز کمک شایانی کرد و در کنار رشد علمی بزرگان شیعه موجب استحکام بنیه حکومتی و تمایل مردم به ارتباط بیشتر با شیعیان گردید. در این میان، از قدرت‌گیری نهاد نقابت شیعیان و سادات و به دنبال آن برگزاری مراسم مذهبی شیعیان نباید غافل شد. چنان که درگیری و رقابت میان گروه‌های شیعه و اهل سنت رویکرد عموم مردم به میانجی‌گری حاکمان و امرای شیعه و روی‌گردانی از



موضع‌گیری حکومت عباسیان در قبال کشاکش‌های مذهبی بیشتر به چشم می‌خورد. سبک زندگی شیعیان در بغداد و نظام ارتباطی آنان با وکلای اربعه امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و علما، تاریخ اجتماعی این طیف خاص مذهبی را از سایر اعصار متمایز می‌سازد. در عین حال با توجه به نوع تعاملات شیعیان امامی با دیگر فرق و شیوه زندگی و ارتباطی آنان، به سبک خاصی از زندگی در این دوران نیز پی می‌بریم. به این ترتیب در این دوران شاهد حرکت رو به رشد تشیع جهت آمادگی برای ورود به عصر غیبت و سازمان‌دهی فرقه امامیه هستیم.



منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۸۸.
- آدام متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، سوم، ۱۳۶۱.
- ابن جوزی، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، محقق: سعد فهمی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۲ق.
- ابن حوقل، محمد، *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *العبر*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، محقق: عباس، احسان، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
- ابن طقطقی، محمد بن علی، *تاریخ فخری*، ترجمه وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، دوم، ۱۳۶۰.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تصحیح محمدرضا تجدد، تهران: مکتب اسلامی، بی تا.
- اقبال آشتیانی، عباس، *خاندان نویختی*، تهران: کتابخانه طهوری، سوم، ۱۳۷۵.
- حسینی الزرباطی، سیدحسین، *بغیه الحائر فی احوال اولاد الامام الباقر*، قم: دارالتفسیر، ۱۴۱۷ق.
- حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه و حقه الشریف*، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، دوم، ۱۳۷۷.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ذبیح زاده، علی نقی، *مرجعیت سیاست در عصر غیبت*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴.
- ذهبی، شمس الدین محمد، *تاریخ اسلام*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
- سلطانی، مصطفی، *تشیع بغداد از نیمه قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم هجری*، قم: انتشارات ادیان



و مذاهب، ۱۳۸۹.

- سلطانی، مصطفی، *تشیع در عراق در قرون نخستین*، قم: ادیان و مذاهب، اول، ۱۳۸۹.
- شعبانی، رضا، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۷.
- شیخ طوسی، محمد بن حسین، *کتاب الغیبه*، تهران: مکتب نینوی الحدیثه، بی تا.
- شیخ مفید، محمد بن محمد، *الارشاد*، تحقیق مؤسسه آل البيت عليه السلام، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- صدر، سید محمد، *پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه*، تهران: جهان آرا، بی تا.
- _____، *تاریخ الغیبه الصغری*، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین العامه، بی تا.
- صولی، محمد بن یحیی، *اخبار الراضی بالله و المتقی بالله*، بیروت: چاپ هیور شادن، ۱۳۹۹ق.
- قرطبی، عریب بن سعد، *صله تاریخ الطبری*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
- کرمر، جونل، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمد سعید ضیایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- مستوفی، حمد الله، *نزهة القلوب*، محقق: محمد دبیر سیاقی، قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱.
- مصطفی جواد، سوسه احمد، *دلیل خارطه*، بغداد: مطبعة المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۸ق.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اول، ۱۳۶۱.
- یعقوبی، ابن واضح، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی